

# انقلاب اسلامی ایران چگونه شکل گرفت و در راه حفظ و تداوم آن چه باید کرد؟

امروز می بینید همان مردم با اینکه بعد از انقلاب نه تنها مشکلات اقتصادی که در گذشته برایشان وجود داشت هنوز هم بنحوی و بخصوص با وجود مشکلات جنگ و معاصره اقتصادی بیشتر نشده، همان روح فداکاری و از خودگذشتگی، شهید دادن و خون دادن و تحمل کردن مصائب در آنها وجود دارد و آنچه که برایشان مطرح است همان آرمان استقلال و دور بودن از سلطه شرق و غرب است و این پیروزی نهانی انقلاب است و این بیانگر این است که انگیزه مردم انگیزه ای ایدئولوژیک و اسلامی بوده است



انگیزه مردم از ایجاد حرکت انقلاب اسلامی چه بوده و چه عواملی تضمین کننده بقای انقلاب میباشند؟ این سوال برای تمامی کسانی که برای انقلاب دل میسوزانند و به بقای آن دل بسته اند و حاضرند بهر قیمتی که شده انقلاب را حفظ نمایند و تداوم آن را تحقق بخشند همواره به صورت جدی مطرح بوده است. برآستی چه عامل و یا مجموعه عواملی تضمین کننده حفظ و بقای انقلاب است؟ برای پاسخ این سوال ضروری است گذری بر انگیزه های مردم در ایجاد حرکتی که در اولین مرحله به پیروزی رسید داشته باشیم و سپس تداوم و حفظ انقلاب را از میان همان انگیزه ها جستجو نماییم. بدین منظور و برای دستیابی و آگاهی به این مجموعه عوامل بر آن شدیم تا پای صحبت مسئولین نشسته و از تجربیات شان سود جوئیم و از نظراتشان در این مورد آگاه بشویم، تا بتوانیم به یاری خدا و با جمع بندی مجموعه نظرات و مقایسه آنان با هم با حرکتی آگاهانه و مسئولانه انقلاب را تعمیق و تداوم بخشیم.

**بهزاد نبوی:**  
شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» شعار اساسی مردم ما بود

مستقل از نفوذ شرق و غرب بود. مردم، بدلیل آگاهی و درک فوق العاده اشان شاهد دخالت های ناروا و استعمارگرانه شرق و غرب و عمدتاً غرب در میهن خودشان بودند و این دخالت وزیر سلطه بودن را بعنوان یک «امت اسلامی» برای خودشان ننگ و غیر قابل تحمل میدانستند و اگر هم بودند عناصری که بنحوی این آگاهی را نداشتند با روشنگریها و پانشاریهای زعمای مذهبی و پیشاپیش آنان امام امت، احساس کردند که بعنوان یک امت مسلمان،

**حجت الاسلام دعایی:**  
انگیزه مردم دفاع از آرمانهای مقدس اسلامی بود.

**حجت الاسلام دعائی:** بر آنچه بعنوان عامل تداوم و حفظ انقلاب میتوان تکیه داشت، بینش فقهاتی اسلامی است و عمدتاً تکیه بر ولایت فقیه است.

امتی که پیرو و پایبند به آرمانهای اسلامی هستند، ننگ زیر سلطه بودن را از خود دور کنند. و بدنبال همین احساس بود که با فداکاری زایدالوصف و از خودگذشتگی قهرمانانه و دادن شهدای بسیار زیاد و با ایثار خونهای پاک و نازنین این انقلاب را به ثمر رساندند.

برادر بهزاد نبوی در این مورد ضمن تکیه بر انگیزه اسلامی مردم در ایجاد حرکت انقلاب اسلامی گفتند: «من فکر میکنم مهمترین انگیزه مردم در حرکت انقلابیشان که منجر به استقرار اسلام در جامعه ای شد که ۲۵۰۰ سال زیر نظام شاهنشاهی ۲۰۰ سال زیر سلطه استعمار و ۶۰ سال تحت حکومت مطلقه وابسته بود، استقرار مکتب و اسلام بود. برخلاف تصور خیلیها که ناپسانمانی اقتصادی، بدی وضع مردم، مشکلات مادی زندگی را انگیزه اصلی مردم در ایجاد حرکت انقلاب اسلامی میدانند من معتقدم که اگر مردم بخاطر این مسائل قرار بود انقلاب کنند، آنگونه فشارها امروز بیشتر است، وضع بسیاری از اقشار مردم به لحاظ رفاه مادی و استفاده از وسائل رفاهی قبل از پیروزی بهتر از بعد از پیروزی انقلاب بود. قبل از انقلاب ما ۶ میلیون بشکه نفت میفروختیم اگر چه مقدار زیادش توسط حاکمان چپاول میشد و به یغما میرفت، ولی بخشی از آن هم در جامعه میریخت و تقریباً رفاه کاذبی را در قشر شهرتشنین جامعه ببار آورده بود هر چند که روستاهای ما از این نظر

برادر حجت الاسلام دعائی در پاسخ به این سوال که انگیزه مردم را در ایجاد حرکت انقلاب اسلامی چه میدانید گفتند: طبیعی است که انگیزه اصیل و اولیه مردم، انگیزه ای ایدئولوژیک در دفاع از آرمانهای مقدس اسلامی بود. اگر در کنار این انگیزه مسائل اقتصادی و یا جنبه های دیگری مطرح میشد به این دلیل است که ما در بینش اسلامی خودمان این مسائل را جدای از مسائل ایدئولوژیک نمیدانیم و یک ایدئولوژی جامع و شامل آن است که تمام جنبه ها را دارا باشد و مسائل اقتصادی و غیر اقتصادی مردم را در بر بگیرد. ولی آنچه که بعنوان «انگیزه مادر» مطرح بود، همان تأسیس و ایجاد یک نظام و رژیم اسلامی



دروغ بسیار بدی بسمیردند. اگر انگیزه، انگیزه مادی بود ارزش ۶۰ هزار شهید دادن را نداشت، زیرا همانطور که گفتم درقشر شهرنشین یک رفاه نسبی که ناشی از وابستگی اقتصادی بود، وجود داشت، ولی بهرحال آنچه که انجام شد بخاطر این انگیزه‌ها نبود، شعار «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» شعار اساسی مردم ما بود و مردم ما بخاطر استقرار حکومت اسلامی و مقابله با حکومت ناپرابری و برای از بین بردن پیعدالتی درجامعه حرکت کردند و قیام نمودند و خوشبختانه این انگیزه روز بروز در مردم بیشتر تقویت شده و میشود، چرا که اگر در ماههای پانز ۵۷، آن اوایل انقلاب مفهوم شعار «آزادی،

بهرادنبوی:

الان جامعه به مفهوم واقعی استقرار حکومت اسلامی پی برده و به همین دلیل است که با آگاهی بیشتر و باسواس بیشتری در این رابطه عمل میکند.

استقلال و جمهوری اسلامی» بدرستی روشن نبود و مفهوم حاکمیت جمهوری اسلامی دقیقا مشخص نشده بود، الان جامعه به مفهوم واقعی استقرار حکومت اسلامی در جامعه پی برده و به همین دلیل است که با آگاهی بیشتر و باسواس بیشتری در این رابطه عمل میکند.

**میرحسین موسوی:**  
**انگیزه مردم، رجعت به فرهنگ اصیل اسلامی بود.**

از برادر موسوی نخست وزیر در زمینه انگیزه مردم از ایجاد حرکت انقلاب اسلامی پرسیدیم ایشان ضمن بررسی زمینه های بروز انقلاب گفتند: انقلاب یک زمینه ها و یک اهدافی داشت. زمینه ها همان وضعیت خفقان و پر از ظلم و ستمی

بود که رژیم سابق بوجود آورده بود و اثرش بر روی زندگی انسانها این بود که آنها را از خودشان بیگانه می کرد و بین فرهنگ اصیل اسلامی و انسانی، انسانهایی که در ایران زندگی می کردند و آن شخصیتی که رژیم می خواست فاصله می انداخت و افراد دچار یک دویت و ثنویت در شخصیت خودشان می شدند. ولی چون هیچکس بصورت فطری و بصورت انسان حاضر نیست تکه تکه شود، دچار تجزیه شخصیتی شود، طبیعی است ملت ما نیز که در زیر زور و ظلم و ستم به جان آمده بودند و این دویت را احساس می کردند و وقتی به فرهنگ خودشان، فرهنگ اصیلی که بصورت نامحسوس در اذهانشان وجود داشت رجوع می کردند و می دیدند که در آن فرهنگ اصیل و در آن «خود بودن» زندگی خیلی زیباتر و شرافتمندانه تر است. و من فکر می کنم که

این احساس، پایه گذاری معنوی شد که بعدها بصورت روشنی در برگشت به اسلام در ملت ما منجلی شد. یعنی اولاً افراد احساس می کنند تخدیر شده اند ولی در عمق وجودشان بدلیل فرهنگ اصیل خودشان در می یابند که نباید تحقیر شوند و حقیر



باشند و در همین برگشت به آن فرهنگ اصیل، اسلام را دوباره می یابند و به آن گرایش پیدا می کنند. تجربه های تلخ مبارزات ۵۰ سال گذشته باعث شد که اسلام به عنوان تنها راه حل و ازگونی رژیم در میان توده های میلیونی مطرح شود، و به این مسئله اضافه کنم که آن رستاخیز عظیمی که در جهان اسلام بصورت تاریخی شده و گسترش پیدا کرده، دامنه اش به ایران هم رسیده است و این میل مردم به فرهنگ اصیل خودشان که همان فرهنگ اسلامی است با رستاخیز عظیم اسلامی قرین می شود و این عجیب شدن و به هم در آمیختن پایه های اولیه این انقلاب را از نظر احساس، عاطفی

و اندیشه ای تشکیل میدهد.

در اینجا یک مکانیزم های بسیار ویژه ای از تشیع در اختیار مردم قرار می گیرد که یکی از آنها روحانیت و نقش عظیم و پر قدرت و ضد ظلمی است که در تاریخ ما دارد.

مردم ما روشنفکران را آزمایش کرده اند، تیپهای مختلف و راههای مختلف را آزمایش کرده اند و تنها نهادی را که صادق یافته اند و همگون با برگشتشان به منطق فطری و آن فرهنگ اصیل اسلامی یافته اند همین نهاد است و لذا طبیعی است که در این حرکت نهاد روحانیت با مردم جوش می خورد و مردم با روحانیت پیوند می خورند و با رهبری این حرکت روحانیت آغاز میشود.

برای اهداف انقلاب چیزهای بسیاری را میتوان شمرده مثلا از جنبه اقتصادی و یا سیاسی و یا نظایر

**میرحسین موسوی:** میل مردم به فرهنگ اصلی خودشان که همان فرهنگ اسلامی است با رستاخیز عظیم اسلامی قرین شد و این عجیب شدن پایه های اولیه انقلاب را شکل داد.

اینها... ولی من بیش از همه چیز روی میل عظیم مردم برای دگرگونی ارزشها تکیه می کنم. و انقلاب ما بیش از آنکه یک انقلاب سیاسی باشد، انقلاب اقتصادی باشد. یک انقلاب فرهنگی عظیمی است که در داخل کشور ما صورت گرفته و باعث میشود که مردم در اخلاقیات و خلقیات خودشان، در سلوک خودشان با همدیگر و در برخوردشان با جهان بیرون دگرگونی اساسی ایجاد بکنند و ضمانت تداوم انقلاب هم همین تحول و همین دگرگونی در نفسها و جانهاست. و اگر ما بدون این تحول انقلاب می کردیم و صرفا انقلابمان یک انقلاب سیاسی و یا اقتصادی بود در مقابل این همه توطئه نمی توانستیم مقابله و مقاومت بکنیم ولی ما یک هدف کلی تر از این اهداف هم داریم که همه اهداف را در خودش می پوشاند و آن این است که مردم در صدد اسلامی کردن جامعه خودشان هستند، می خواهند مسائل را و جهان را از دریچه چهارچوبهای مذهبی و الهی ببینند و این همان چیزی است که جامعه قبلی ما فاقد آن بود و جهان امروز فاقد آن است. یکی از کارهایی که از قرن ۱۸ و ۱۹ به بعد در اروپا شروع شد و بعد به ایران و کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی تزیق شد مسئله مذهب زدایی است، مذهب که تاثیرش در زندگی روزمره اجتماعی بسیار عمیق بود و همه چیز در چهارچوب حلال و حرام و حضور و غیاب و همیشه و مداوم خدا تصور می شد با نهضت مذهب زدایی، به کنج خانه ها و کلیساها رانده شد و جهان بنیان نهاده شد که در آن از معنای الهی در اشیاء، در پدیده ها، در رویدادها خبری نبود. و در کشور ما نیز چنین حالتی پیدا شده بود، یعنی پدیده ها، اشیاء جهان، روابط درونی و بیرونی ما معنای الهی و اسلامی خودشان را از دست داده بودند. این انقلاب در حقیقت باز آوردن معنای اسلامی به داخل اجتماع و به داخل ضوابط و سلوک است. بطوری که الان لطفا ورق بزنید



عنایت مردم است. سوم رهبری امام است. رهبری امام هم با دو عامل قبلی مربوط است چرا که ما اسلام را بعنوان اولین عامل شناختیم و امام نمونه کامل یک مسلمان و کارشناس اسلام است و مورد قبول مسلمانان و هم عامل دوم را تداوم میدهد یعنی حضور مردم را در صحنه.

عوامل فرعی فراوان دیگری هم دست اندرکار هستند از قبیل تلاشهای مخلصانه نیروهای انقلابی، نهادهای انقلابی مثل همین دوستان جهادی، سپاهی، کمیته ها، انجمنهای اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و سایر گروههای اسلامی که مخلصانه عمل می کنند. عامل دیگری که از یک دید در جهت منفی انقلاب است و از بعدی نقطه مثبت همین فساد رژیم پهلوی بود که نقرتی در مردم ایجاد کرده بود که به نفع انقلاب تمام شد و امروز هم نابسامانیها و زشتیهای دشمنان ما به عمق انقلاب ما کمک میکنند.

## آیت الله مهدوی کنی:

### ایجاد احساس شخصیت در جامعه یکی از مهمترین عوامل بقای انقلاب است

آیت الله مهدوی کنی جواب سؤال ما را در این زمینه حفظ و تداوم انقلاب چنین پاسخ گفتند: وقتی سنوالات شما را شنیدم، بیادم آمد که یک موقعی نهج البلاغه را بصورت موضوعی مطالعه میکردم که موضوعات مختلف نهج البلاغه را جمع آوری بکنم. در آنجا از کلمات امیرالمؤمنین (ع) عوامل زیادی را برای حفظ یک انقلاب و یا یک حکومت الهی و اسلامی در ضمن بررسیهایم پیدا کردم. آنچه که یادم هست حدود هشت عامل را برای دوام انقلاب مطرح می کند. حضرت میفرماید که صرف اینکه انقلابی بر اساس حق و ایدئولوژی صحیح یا به تعبیر دیگر مکتبی بر پا شده باشد ضمانت تداوم ندارد، بلکه چند عامل برای بقای آن لازم است. ۱- رهبری صحیح، ۲- اطاعت از رهبری.

آیت الله مهدوی کنی: رهبری صحیح، اطاعت از رهبری، برنامه ریزی و نظم، پرهیز از اختلاف و پراکندگی و سعی و تلاش جهت سازندگی بعد از انقلاب، از جمله عوامل تداوم و بقای انقلاب هستند.

۳- اتحاد و پرهیز از اختلاف و پراکندگی، ۴- سعی و تلاش جهت سازندگی بعد از انقلاب، ۵- علم و دانش، ۶- تدبیر، ۷- برنامه ریزی و نظم، ۸- ایجاد احساس شخصیت در جامعه اینهم که حضرت امیر المؤمنین میفرماید کسی که احساس شخصیت نکند و در مقابل احساس حقارت داشته باشد هیچگاه حق خود را نمی تواند بگیرد یا حتی را که دارد حفظ نکند

شرعی بودن و یا نبودن هر کاری سنجیده میشود. اگر انسان به پدیده ای در جهان هستی می نگرد سعی می کند بین فلسفه وجودی هستی، بین خدا، بین حضور خدا و این پدیده یک نوع رابطه ای را ببیند.

ووقتی عمیقاً و ریشه ای بررسی می کنیم، من فکر می کنم که هدف اصلی و عمیق و خیلی کلی همین اسلامی کردن جامعه به معنای وسیع کلمه و در تمام مسائل زندگی باشد. حتی وقتی اینجا می نشینیم و مصاحبه می کنیم یک ملاک داریم و یک حضوری را در اینجا احساس می کنیم و کار خودمان را می سنجیم که آیا اسلامی هست یا نه؟ و این همان چیزی که الان وجود دارد و سابقاً وجود نداشت، آن چیزی که سابق بود، اصالت پول، اصالت زور، اصالت مسائل مادی بود و این چیزی که الان در سرتاسر جهان حضور دارد این رستاخیز عظیم مسلمانان در تمام جهان است که در حقیقت تلاش است برای برگرداندن دوباره اسلام رانده شده از متن اجتماع و زندگی اجتماعی و بنابه فطری بودن و همگانی بودن این مسئله ما یقین داریم که انقلاب اسلامی در سراسر جهان موفق خواهد شد.

## حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

### پیروزی ما مرهون موج عنایت روزافزون مردم است

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی سه عامل مهم را در تداوم انقلاب موثر دانسته و در این مورد چنین گفتند: عامل اساسی تداوم انقلاب همان است که انقلاب را پیروز کرد و در درجه اول روح اسلام است که هم مردم را متحد



میکند، فداکار میکند و هم نشاط و حرکت می بخشد و دوم حضور مردم در صحنه که در حد خودش نتیجه آن عامل اول است ولی بعنوان یک عامل جداگانه باید مطرح شود. ما پیروزیمان را از موج روزافزون عنایت مردم داشتیم و تداوم انهم فعلاً مرهون همین

در این رابطه است که این هم در مورد امور فردی، فرد باید احساس شخصیت بکند و هم در امور اجتماعی، اجتماع ما در تاریخ زندگی بشر دیده ایم جامعه ای را که در اثر کوبیدن و گرفتن شخصیتش در یک برهه از زمان، بطور کلی فرهنگش، اقتصادش، دینش و همه چیزش را از دست داده است. و این جامعه در حال رکود مانده و می اندیشد که نمی تواند کاری انجام دهد، دشمن را بزرگ می شمرد و خودش را کوچک.

در قرآن آیه ای هست که کاملاً مطلب را میفهماند که فرعون نسبت به بنی اسرائیل همین کار را کرد یعنی در آنها ایجاد حس حقارت کرد، قوم خود را استخفاف کرد و سبک شمرد تا اینکه آنها مطیعش شوند و رمز موفقیت این انقلاب در همین بود که رهبری قاطع امام به مردم ایران شخصیت بخشید و آن شخصیت نهفته ملت را بیدار کرد. همین مردمی که سی سال قبل می گفتند نمی شود با رژیم و آمریکا جنگید حالا می ایستند و ایستادند و شاه را بیرون کردند و بعد با آمریکا جنگیدند. این همان ملت است جز اینکه وقتی احساس شخصیت پیدا کرده است. این عامل بسیار مهمی است البته در مقابل عوامل ذکر شده ضد آنها مسلماً موجب شکست و از بین رفتن میشود و همانطور که اول توضیح دادم باز یک تذکر میدهم که صرف اینکه ما بر حق هستیم نمیتواند ضامن بقای ما باشد بلکه باید همه این عوامل را حفظ کنیم تا انقلاب تداوم یابد.

## بهزاد نبوی:

### «اسلام» و «وحدت کلمه» ضامن بقای انقلاب است

برادر بهزاد نبوی در رابطه با عوامل حفظ و تداوم انقلاب بر دو عامل اسلام و وحدت کلمه تأکید داشته و گفتند: «بطور کلی آنچه که میتواند انقلاب ما را حفظ کند و تداوم و گسترش بدهد، همان دو نکته ای است که امام فرمودند، «اسلام» و «وحدت کلمه»، منظور از «اسلام» حاکمیت اسلام و قوانین اسلام



در جامعه و فرد است، حاکمیت اسلام به این مفهوم که ماهرچه می توانیم حرکتان در جهت اسلام باشد، حکومت فعلی یک حکومت صد درصد اسلامی نیست ولی در مسیر اسلام گام بر میدارد. ما باید تا آنجا که می توانیم حاکمیت را به اسلام نزدیک کنیم و قوانین اسلامی را بصورت کامل اجرا نماییم.

دومین عامل، وحدت کلمه امت است. حضور و وحدت توده مردم برای تداوم انقلاب بسیار ضروری و اساسی است. رمز حفظ و تداوم انقلاب ما در مرحله اول اسلامی بودن آن و در مرحله بعد حضور مردم متحد و یکپارچه در صحنه و پاسداری آنها از انقلاب است و پس از یاری الله بزرگترین نیروی حافظ انقلاب همین وحدت کلمه و حضور یکپارچه امت در صحنه است. اگر این نیرو را از دست بدهیم، انقلاب در معرض خطر جدی قرار می گیرد. دشمن می کوشد که این دو عامل نیرومند حفظ و تداوم انقلاب اسلامی (اسلام و وحدت کلمه) را از بین ببرد زیرا میدانند با اتکاء به همین دو نیرو بود که آن بت بزرگ (شاه) سرنگون شد، و آمریکا

بهباد نبوی:

❁ اگر وحدت کلمه از بین برود دشمنان خیلی راحت میتوانند غلبه کنند و از گسترش و تداوم انقلاب جلوگیری نمایند.

❁ ماهیت اسلامی و وحدت کلمه در سایه پذیرش ولایت فقیه و رهبری امام که همان «جبل الله» زمان است باید حفظ شود.

❁ ملاک وحدت در اسلام نه دشمن مشترک، نه وجود تضاد و نه منافع مشترک، بلکه ایمان و بندگی الله و نفی عبودیت غیر خدا است.

و غرب سلطه خود را از دست دادند و امید شرق به نفوذ در جامعه ما و حتی منطقه از بین رفت. و بالاخره خطوط انحرافی و التقاطی غربی و شرقی و طاغوتیچه ها و پتلهای کوچک وابسته به آن خطوط نظیر بنی صدر از صحنه محو و نابود شدند. بنابراین ماهیت اسلامی و وحدت کلمه ای که در سایه پذیرش ولایت فقیه و رهبری امام که همان «جبل الله» زمان است باید حفظ شود. اگر وحدت کلمه از بین برود دشمنان خیلی راحت میتوانند غلبه کنند و از گسترش و تداوم انقلاب جلوگیری نمایند. برای حفظ وحدت کلمه هم راهی نیست جز پذیرفتن قلبی و التزام عملی به ولایت فقیه، یعنی رهبری واحدی که در عین حال ارتباط اسلام را با امت برقرار میکند، به همین دلیل دشمنان ما همیشه کوشیده اند که پیوند توده مردم و امت را با رهبری قطع کنند که البته همیشه این کوشش نافرمام بوده است. یکی دیگر از عواملی که میتواند به وحدت کلمه مسلمین لطمه بزند، برداشت غلط و غیر اسلامی از مسئله وحدت است. برخی تصور می کنند، وحدت

## مهندس غرضی: مهمترین عامل تداوم انقلاب عمل کردن به دستورات اسلام است

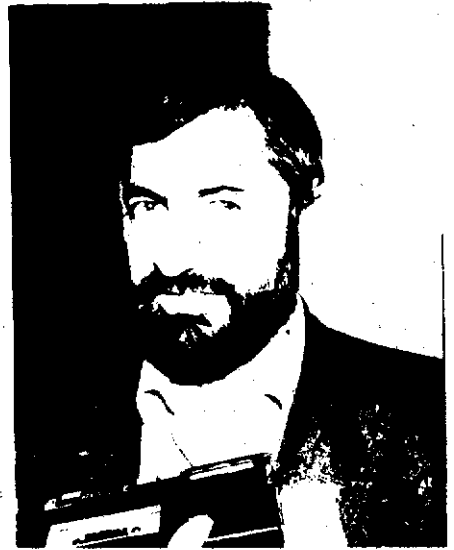
در همین رابطه نظر برادر مهندس غرضی وزیر نفت را جویا شدیم ایشان ضمن تاکید فراوان بر الهی بودن انقلاب عوامل تداوم آنرا بدینگونه بررسی نمودند که:

در بررسی عوامل تداوم انقلاب ریشه یابی خود انقلاب ضروری است. اگر قبول کنیم که انقلاب اسلامی پیامبر یک جریان کاملاً الهی و بر مبنای اراده خدائی بود و اگر قبول کنیم که شکل آن بصورتی نبود که عوامل و ابزار در تصمیم گیریهایش حداقل یا مشارکت داشته باشد و یا شدیداً موثر باشند و باز اگر قبول کنیم حرکت پیامبر خواندن به عبودیت انسان در رابطه با خدای خودش بود و در این مسیر بود که بقیه دستاوردها بدست میامد و تداوم پیدا میکرد، آنوقت ما هم، توجیهات و ریشه های انقلاب اسلامی خودمان را در می یابیم و هم جواب این سؤال که تداومش به چه عواملی بستگی خواهد داشت. اعتقاد بر این است که ریشه های انقلاب در اراده الهی هست، مخصوصاً در رابطه با انسانهایی که عبودیت الهی را پذیرفتند و از کل وجود مادی، خودشان را بریده و به جز دستور العمل الهی کاری انجام نمیدهند. نتیجه این که ما اگر همان وظایف خودمان را بعنوان دستور العمل مخصوصاً در رابطه با اسلام انجام دهیم آنوقت نه تنها انقلاب حفظ میشود و تداوم پیدا میکند بلکه لطفاً ورق بزنید

تنها وقتی ممکن است که همراه با تضاد باشد، دشمنی در مقابل باشد و با این برداشت از وحدت، ناخودآگاه تلاش می کنند دشمنی و تضاد ایجاد کنند تا وحدت حفظ شود. ملاک وحدت در اسلام نه دشمن مشترک، نه وجود تضاد و نه منافع مشترک، بلکه ایمان و بندگی الله و نفی عبودیت غیر خدا و اعتصام به ریسمان خدا که در این زمان پذیرش اسلام فقاقت، ولایت فقیه و پذیرش امام بعنوان فقیه جامع الشرایط زمان است، میباشد. با چنین برداشتی از وحدت، جانی برای تضاد و دشمنی در بین نیروهای مسلمان پیرو خط امام باقی نمی ماند و هر نوع تضاد و دشمنی در حال حاضر بین این نیروها تنها میتواند منشأ نفسانی داشته باشد. البته اختلاف سلیقه و روش در محدوده پذیرش ایمان به اصول فوق نه تنها مذموم نیست بلکه رشد دهنده نیز خواهد بود.

برادر نبوی در ادامه صحبتهایشان ضمن برشمردن عوامل وحدت، وظیفه مسئولین را در انجام این امر یادآوری کرده و گفتند: «پیوند امام و امت، پیوند رهبر و توده مردم آنچنان قوی و مستحکم است که اگر مسئولین هم خطا بکنند مردم سست نمی شوند. وظیفه مسئولین در این رابطه درد کلمه خلاصه میشود: ۱- در خط امام حرکت کنند و بقول برادر شهیدمان رجائی در معرفی خودش به مجلس «مقلد امام» باشند. مقلد امام بودن نه به آن معنا که فقط از رساله و در زمینه احکام فردی، امام را قبول داشته باشند و از او تقلید کنند، بلکه در زمینه اجتماعی هم مقلد امام و پیرو ولایت فقیه باشند و از این خط عدول نکنند.

۲- خدمتگزار مردم باشند هر چند که این دومی در همان اولی نهفته است ولی بهر حال این یک اصل مهم است که مسئولین خدمتگزاران مردم باشند نه آمر و حاکم بر مردم.



ارتقاء اصلی ذات فرد که مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی است در آن ملحوظ شده و حفظ خواهد شد ریشه اصلی پذیرفتن عبودیت و بندگی خدا و عمل کردن در این رابطه است و جریانی که می بینیم دارد اتفاق می افتد در جهت انسجام عمیق تر و سازماندهی بیشتر انسانها در این رابطه بوده و در این زمینه واقعا کار شده است. سربازان میدان ۱۷ شهریور نه تنها کم نشده بلکه عمیق تر شده اند اگر آن سربازهای کسری از مسائل مبتلابه روز را حل کرده، سربازان امروز ما در میدانهای مختلف نبرد مشکلات را در چند جهت حل میکنند. اگر یک

### مهندس غرضی

- اگر ما همان وظایف خودمان را بعنوان دستور العمل خصوصا در رابطه با اسلام انجام دهیم، آنوقت نه تنها انقلاب حفظ میشود و تداوم پیدا میکند بلکه ارتقاء اصلی ذات فرد که مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی است در آن ملحوظ شده و حفظ خواهد شد.

زمانی تقریباً شهرتین متعبد ما در میدانهای ۱۷ شهریور و ۲۲ بهمن از نو زاده شد، امروز تمامی اقشار مختلف مردم، روستایی و شهری و دیگران در رابطه با انقلاب عمل فعالانه دارند و اگر جز این بود و اگر جز شمشیر زدن در راه خدا بود این همه مشکلات انقلاب حل نمیشد. ما می بینیم این عبودیت پذیری انسان شکل خودش را در رابطه با انقلاب ما و توده های مستضعف ما تعمیق بخشیده و به جلو برده است و اگر هر فردی بخواند حساب خودش را در رابطه با خدای خودش و در رابطه با انقلاب و خون شهدا و وظیفه اش را نسبت به امام زمان و امام انجام بدهد، باید ببیند به چه میزان عبودیت خدا را پذیرفته و تا چه حد این دستور العملها را انجام داده است.

## حجت الاسلام خاتمی:

### تداوم انقلاب را «ولایت فقیه» تامین خواهد کرد

حجت الاسلام خاتمی نماینده مجلس شورای اسلامی عوامل حفظ و تداوم انقلاب را بدینگونه برشمردند:

- ۱- مهمترین شاخصه پیدای انقلاب اسلامی، عبارتست از حضور گسترده مردم در صحنه سرنوشت، و ادامه این حضور به انقلاب اسلامی امکان داده است تا در همه عرصه ها پایدار و موفق باشد و توطئه های گسترده نظامی، سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی دشمن را از کار بیاندازد.
- ۲- علت حضور حماسه ساز مردم در صحنه،

### حجت الاسلام خاتمی:

- علت حضور حماسه ساز مردم در صحنه ناشی از عنصر وحدت بخش و برانگیزنده اسلام است که طی ۲۰ سال گذشته در حرکت جامعه مانقش اول را داشته است.

اجراء شده است تا؛ اولاً رهبری ممتاز اسلامی را بی اعتبار جلوه دهد. ثانیاً مردم را که نیروی تعیین کننده در جریان پیروزی و تداوم انقلابند از پیرامون رهبر بپراکند که خوشبختانه باز به برکت موضعگیریهای پیامبرگونه امام امت و نیز بیداری و هوشیاری مردم، این توطئه ها خنثی شده است. در یک کلام: تضمین کننده تداوم انقلاب اسلامی، وجود رهبری اسلامی در جهت و بگونه ای خواهد بود که اینک شخصیت والای حضرت امام خمینی و ویژگیهای فردی و اجتماعی او مظهر آنست.

## محسن رضائی:

### حاکمیت ولایت فقیه، مهمترین عامل تداوم انقلاب است

از برادر محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عوامل حفظ و تداوم انقلاب را پرسیدیم، ایشان در جواب چنین گفتند: «انقلاب ما با تکیه به یکسری مبانی و تکیه گاههایی حرکت خودش را آغاز کرد و به انجام رساند و همانطور که تاکنون دیدیم رشد و پیشرفت انقلاب در آن نقاطی بوده که تکیه بیشتری بر این مبانی کرده ایم. و هرگاه که از این مبانی خارج شدیم ضربه خوردیم. مثلاً فرض کنید شورای انقلاب ما آن اوایل تا حدی تاکید داشت بر اینکه از لیبرالها هم استفاده نکند تا مثلاً همه نیروها در انقلاب شرکت داشته باشند که این مسئله هم در دولت موقت به ما ضربه زد و هم در زمان بنی صدر. نتیجه اینکه ضرباتی که تاکنون خوردیم و هر بلاتی که بعد از انقلاب بر سر ما آمده است عاملش فقط خودمان بوده ایم. بدین

ناشی از عنصر وحدت بخش و برانگیزنده اسلام است که طی ۲۰ سال گذشته در حرکت جامعه ما نقش اول را داشته است.



۳- طرح و حضور اسلام در متن جامعه بعنوان عامل محرک مردم (که رژیم وابسته و منحط پیشین را ساقط کردند و هم اکنون نیز در کار استقرار نظام دلخواه اسلامی هستند) از مجزای رهبری ممتاز اسلامی صورت گرفته است و وقتی از رهبری انقلاب سخن میاوریم با توجه به مبانی اعتقادی و نیز در سایه تجربه تاریخیمان منظورمان این است که رهبری علاوه بر اینکه از ویژگیهای ناب و ممتاز مدیریت، جهت دهنده، سازماندهی و تقویت آگاهیهای سیاسی و اجتماعی برخوردار است، دارای شخصیت والای اسلامی و یک اسلام شناس بزرگ و آگاه و مرجع تقلید و الگوی علم و



معنی که از مبانی اصلی انقلاب دور شدیم و رحمت و برکاتی را که خداوند با تکیه به این اصول و مبانی به ما ارزانی کرده بود فراموش کردیم.

اولین مسئله ضمانت انقلاب حاکمیت ولایت فقیه است. یعنی اگر مادر مسائل سیاسی - اجتماعی نظامی، انتظامی، اقتصادی و همچنین مسائل فردی حاکمیت ولایت فقیه را پیاده نکنیم و به سمت این حاکمیت نرویم قطعاً از همان جاهانی که این حاکمیت تحقق پیدا نکرده صددرصد ضربه خواهیم خورد.

دومین مسئله ضمانت تداوم انقلاب، خودجوشی مردم است. یعنی ما باید توجه کنیم که اگر بدون تکیه بر مردم بخوایم کاری انجام دهیم به شکست می انجامد. بنی صدر وقتی که میخواست به اصطلاح جنگ را تمام کند، چهار، پنج، شش تا عملیات طرح ریزی کرده بود که شامل دو تا عملیات در ماهشهر، یک عملیات در ذرفول و یک عملیات در هویزه بود چون طرح ریزی این عملیات براساس استفاده نیروهای کلاسیک و نیروهای زرهی صرف و بدون تکیه بر مردم و عدم استمداد از این مبانی انقلاب بود. در عملیات ذرفول دوتاییپ از دست داد. در عملیات ماهشهر فقط ۴۰۰ نفر از ارتش شهید شدند و عملیات هویزه هم که با شکست مواجه شد. و علت اینکه الان عملیات ما با موفقیت روبرو میشود

انجام دادنه تدبیر جنگ بود و نه وارد کردن نیروهای زرهی، هیچ چیز نبود مگر باز کردن راه مشارکت مردم در امر جنگ و سومین مسئله توجه به حزب الله است. بنظر من این مسئله بسیار مهمی است که متأسفانه بعضی وقتها ما غفلت می کنیم. بعضی اوقات شنیده میشود که عده ای اشکالاتی را در نیروهای حزب الله پیدا می کنند و بجای تلاش در جهت اصلاح، در جهت تضعیف حزب الله می کوشند. اگر در سپاه، جهاد سازندگی نیروی حزب اللهی، توده های مردم اشکالاتی ببینیم و این اشکالات را مبنائی برای تخریب این ارگانها بگذاریم، درحقیقت کل انقلاب را از بین برده ایم. از نیروی حزب الله باید همیشه قدردانی کرد ولی در اوج قدردانی باید به او هم تذکر داد و اصلاحش کرد زیرا که حزب الله در حال رشد و پویایی است ولی متأسفانه بازتعمه هایی شنیده میشود که میخواهند نیروی حزب الله را از پویایی خودش در جریان انقلاب نگهدارند. بنابراین حزب الله را باید بشدت تقویت کرد و روحیه حزب اللهی که فرهنگ اصیل تشیع مردم است را باید حفظ نمود.

برادر محسن رضایی:

- اگر مادر مسائل سیاسی - اجتماعی - نظامی، انتظامی، اقتصادی و همچنین مسائل فردی حاکمیت ولایت فقیه را پیاده نکنیم و به سمت این حاکمیت نرویم صددرصد ضربه خواهیم خورد.

و اما آخرین مسئله ای که میتواند تداوم بخش انقلاب اسلامی باشد این است که ما نباید مردمان را تکه تکه کنیم اگر در این مملکت ۴۰.۳۰ تا حزب و گروه و تشکیلات بوجود بیاید و امور اجتماعی و سیاسی را که مربوط به روحانیت است از دست روحانیت خارج کنند باعث نابودی انقلاب خواهند شد. مردم به هیچوجه نباید تکه تکه شوند. شاید یکی از عللی که ملل مسلمان، همانطور که امام درسخرانی خودشان فرمودند، در منطقه نمی توانند یک حرکت متحد و همشکلی را بوجود بیاورند این است که هرکسی یک حزبی درست کرده و یک قشری از ملت را در یک جانی برده و زندانی کرده است و با این زندانها و حصارهایی که درست کرده اند

محسن رضایی: اگر در سپاه، جهادسازندگی، نیروهای حزب اللهی، توده های مردم اشکالاتی ببینیم و این اشکالات را مبنائی برای تخریب این ارگانها بگذاریم، در حقیقت کل انقلاب را از بین برده ایم.

وحدت عظیم ملت اسلامی را تکه تکه نموده اند. اگر احزاب سیاسی، گروههای اسلامی و نیروهای اسلامی در مملکت ما بوجود میاید قصدشان نباید این باشد که بنارا بر بدست گرفتن قدرت بگذارند، آن یکی بگوید که رئیس جمهوری آینده مال من و دیگری بگوید که نمایندگی مجلس مال من، که این امر جامعه را تکه تکه می کند.

اصولاً نقش احزاب و گروههای اسلامی در انقلاب ما باید باتمام کشورهای دگ فرق داشته باشد. شاید تمام تلاش یک حزب و گروه اسلامی تا آنجا خواهد بود که یک فرد را بسازد، اما بعد اینرا تحویل حکومت بدهد. اما اینکه بیایند و بخوانند حکومت را و ملت را تکه تکه بکنند مسئله ای است که ایجاد خطر می کند. بنابراین تمام برادرانی که در صداقت و پاکیشان در خلوص نیتشان و در تلاشهای قبل و بعد از انقلابشان شکی نیست نباید مرتکب اشتباه شوند بلکه باید ملت را یکپارچه و متحد زیر نظر روحانیت نگهدارند. حزب متحد و یکپارچه ما روحانیت است. ما حزب داریم، تشکیلات سیاسی هم داریم و آنها هم روحانیت است. روحانیت را که نمی خواهیم در اطافهای در بسته کنیم و از او بخواهیم که فقط مسئله فردی بگوید. اگر میخواهیم نقش اجتماعی به آن بدهیم باید زاهش را باز بگذاریم و نیایم همه مسائل سیاسی را منحصر به ۱۰ تا، ۳۰ تا، ۷۰ تا گروه کنیم. همه چیز را باید به روحانیت بدهیم و روحانیت باید حاکمیت داشته باشد. بنظر من این چهار مسئله می تواند ضمانت واقعی انقلاب ما را انشاء الله تضمین نماید.

## حجت الاسلام دعائی:

### عامل حفظ و تداوم انقلاب اسلامی اصرار و پافشاری بر مبانی ایدئولوژیک ماست

عوامل حفظ و تداوم انقلاب از نظر گاه برادر حجت الاسلام دعائی نماینده مجلس شرح زیر عنوان شد:

در این رابطه میتوان گفت عامل حفظ و تداوم انقلاب اسلامی اصرار و پافشاری بر مبانی ایدئولوژیک ماست. در این رهگذر بودند کسانی که می خواستند بنحوی مردم ما را فریب دهند و قصد این داشتند که از دید مذهب و بقول خودشان دیدگاه معتقدات مذهبی مردم، مسائلی را مطرح کنند که نوعی سردرگمی و یا انحراف در مردم بیانجامد. بارزترین نوع آنرا میتوان در پیش القسط و یالیبرالیسم اسلامی دید. لیبرالیسم در دوران اولیه انقلاب بنحوی میدان دار جریانات شد و خواست با آن پیش تنگ نظرانه و سازشکارانه خودش از اسلام،

دینی را ارائه دهد که بنحوی با منافع بیگانه و یا با حضور بیگانه سازش داشته باشد. بعد از این دوران بروز پیش القاطی بود که به دوگانگی و انحراف و به شکلی گرایش به شرق و یا غرب با حفظ برخی بینشهای اسلامی منجر میشد که در خلال چند سالی که از انقلاب ما گذشته، خوشبختانه عملکرد و ماهیت این دو طرز تلقی از اسلام تقریباً رو شده است. بنا بر این بر آنچه که بعنوان عامل تداوم و حفظ انقلاب میتوان تکیه داشت و انگشت گذاشت، پیش فقاهتی اسلامی است و عمدتاً تکیه بر ولایت فقیه است که تصور می کنیم میتواند نیرومندترین عامل تداوم و بشر رساندن انقلاب ما باشد.

هو السلام